

حرام چرا؟

ازدواج موقت، ضرورت ها، کاربدها و چالش های احتمالی

سید حسن میری موسوی

سرشناسه: میری موسوی، سیدحسن، ۱۳۶۶-
 عنوان و نام پدیدآور: حرام چرا؟: ازدواج موقت، ضرورت‌ها، کاربردها و
 چالش‌های احتمالی/سیدحسن میری موسوی
 مشخصات نشر: قم، تحسین ما، ۱۴۰۰
 مشخصات ظاهری: ۱۶۲ص؛ ۵/۲۱*۵/۱۴ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۹-۴۵-۴
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتاب‌نامه: ص ۱۶۰-۱۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس
 موضوع: متعه
 موضوع: متعه-- احادیث
 موضوع: Muta--Hadiths
 رده بندی کنگره: ۱۸۹/۴ BP
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۵۷۷۷۵

انتشارات تحسین
 تهران
 طبقه دوم، واحد ۲۰۷
 همراه: ۲۹۴۸ / ۵۲۱ / ۰۲۰

حرام چرا؟ ازدواج موقت، ضرورت‌ها، کاربردها و چالش‌های احتمالی

مؤلف / سید حسن میری موسوی

صفحه آرا / طاهره رجبی

طراح جلد: فاطمه رضوان طلب

ناشر / انتشارات تحسین ما

لیتوگرافی و چاپخانه / اترام / زیتون

سال و نوبت چاپ / اول / بهار ۱۴۰۰

شمارگان / ۵۰۰

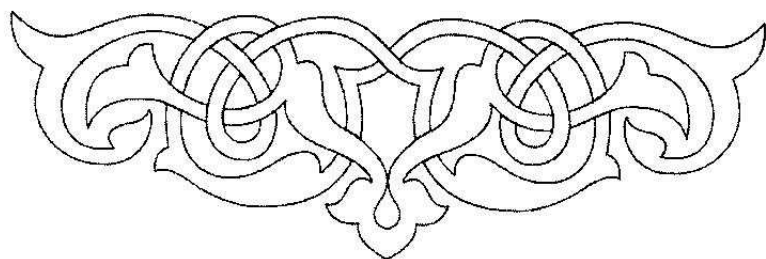
قیمت / ۴۰۰۰۰ تومان

مرکز پخش: قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، طبقه دوم، واحد ۲۰۷.

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۶۶/۰۹۱۲۱۵۳۷۹۳۸

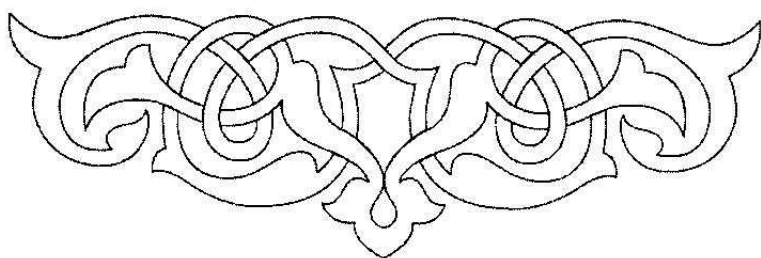
واتساب: ۰۹۳۶۱۵۱۷۹۳۸ تلگرام: ۰۹۱۲۱۵۳۷۹۳۸

حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است.



فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار
۱۳.....	ازدواج موقت از دیدگاه قرآن
۲۹.....	ازدواج موقت از دیدگاه اهل سنت
۶۹.....	ضرورت تشریع ازدواج موقت
۸۵.....	تفاوت ازدواج موقت با عمل نامشروع
۹۷.....	کاربردهای ازدواج موقت
۱۱۵.....	غیرت زنانه
۱۲۷.....	تفاوت ازدواج موقت با ازدواج دائم
۱۳۳.....	فرزند حاصل از ازدواج موقت
۱۳۹.....	وظیفه دولت
۱۴۹.....	شیوه خواندن عقد موقت
۱۵۳.....	نتیجه کلام
۱۶۰.....	منابع و مآخذ



پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين، الحمد لله الذي يومن الصالحين ويرفع المستضعفين
و يهلك ملوكا ويمتخلف الاخرين و الصلاة و السلام على رسول الله و آله
الطاهرين لاسيما بقية الله في السماوات و الارضين.

دين مبین اسلام مثل پازليست که اگر تمام اجزايش در عمل و در جامعه؛ سر
جایش قرار گیرد؛ آنوقت راهگشای تمامی مشکلات فرد و جامعه خواهد بود؛
اما اگر با حکمی از احکام الهی خدای ناکرده برخورد سلیقه‌ای شود؛ یا مثلاً
به مجرد اینکه به مزاج برخی سازگار نیست؛ حذف یا محدود شود؛ آنوقت
جامعه متحمل ضربه‌ای سهمگین می‌شود؛ که حتی شاید خود قربانی هم
متوجه نشود از کجا و چطور و چرا دچار این آسیب و بلا گشته است و هر چه
تلاش می‌کند که این خلا بوجود آمده از عدم اجرای این حکم الهی را پر کند،
نمی‌تواند مگر با بازگشت به همان حکم.

مانند مبارزی که در رینگ بوکس ضربه‌ای کاری از حریف دریافت می‌کند و
هوشیاری خود را برای مدتی از دست می‌دهد به حدی که تا دقایقی حتی متوجه

نباشد که کجا قرار دارد و برای چه اینجا آمده و مشغول چه کاری بوده است. اگر شما خودرو مدل بالایی را از سازنده‌ای تحویل بگیرید و آن سازنده به شما بگوید که باید در رادیاتور آن مثلاً فلان مقدار آب و ضد یخ ریخته شود؛ و شما مجذوب آپشن‌ها و امکانات آن خودرو مشغول گاز دادن باشید و این را، مسئله‌ای فرعی قلمداد کنید و با خود بگویید که نیازی هم به آب رادیاتور و ضد یخ نیست و همین که ماشین کار می‌کند کافیه؛ بعد از اندکی همین بی‌توجهی و سهل‌انگاری؛ خودرو با عظمت و امکانات را از کار می‌اندازد تا جایی که به خاطر سوختن واشر سرسیلندر متحمل هزینه گزافی شدید که باز هم خودرو برای شما مثل اول نمی‌شود.

یا مثلاً به دنبال گنجی در حرکت؛ دقیق طبق نقشه حرکت می‌کنید و فقط در قسمتی که نوشته اول دو قدم به سمت راست حرکت کن شما به سمت چپ حرکت می‌کنید و بقیه نقشه را مو به مو دنبال می‌کنید، اما دنبال کردن همان و دور شدن شما تا ثریا از گنج همان. با سلیقه حرکت نمودید و تصور کردید حالا بقیه را عمل می‌کنید و طوری نمی‌شود؛ ان شاء الله به مقصد خواهید رسید در حالی که دورتر و دورتر شدید.

و یا پزشکی به شما نسخه‌ای می‌دهد و داروی خاصی را می‌نویسد و شما به گمان اینکه این دارو منحصر نیست وای بسا با اجتهاد شخصی بشود به یک درمانی رسید، سراغ داروهای دیگر می‌روید و این رفتن همان و دور شدن از سلامتی وای بسا فرورفتن در مرض همان.

احکام بخصوص اجتماعی اسلام این چنین است، نمی‌شود؛ کمی و اندکی برخی را از بنیه و بنا تغییر داد و عمل نکرد آنوقت توقع سعادت اجتماعی

و رسیدن به گنج خوشبختی داشت؛ درختی مفید است که ریشه‌های آن در زمین مستحکم و شاخه‌های آن در آسمان با ثبات است؛ الم تر کیف ضرب الله مثلاً كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت و فرعها في السماء^۱. آنوقت می‌شود از این درخت سالم و استوار توقع میوه داشت؛ توتی اكلها كل حين باذن ربه^۲.

اما اگر ریشه‌های همین درخت سالم و ثابت؛ آفت زده شود، کنده شود، بیمار شود، سرما بزند؛ دیگر توقع ثمر دادن این درخت واهیست و همین درخت؛ اجثث من فوق الارض^۳ می‌شود که مانند جامعه دستخوش تغییرات عقاید، قراری ندارد؛ مالها من قرار^۴

غرض از تمام مثال‌های بالا اینست که گاهی یک تغییر به ظاهر پیش پا افتاده و سطحی و یک سهل انگاری کوچک و یک کوچک انگاری قسمتی از مسئله‌ای؛ گاهی سبب بهم خوردن کل مکانیزم و سیستم اصلی می‌شود، اگر چه انسان در ابتدا رضایت به مختل کردن اصل آن سازگار را نداشته باشد. و این به اعتقاد انسان برمیگردد؛ گاهی عدم رعایت مسئله‌ای بظاهر کوچک و مادی در مسیری؛ ما را از هدفمان به کلی منحرف یا بسیار دور می‌کند، چطور توقع داشته باشیم عدم رعایت در احکام شریعت که خدای حکیم و دانا به همه جوانب انسانها، آن را تدوین کرده است؛ ما را از سعادت دنیوی و

۱ - ابراهیم آیه ۲۴. آیا نمیدانی که خداوند چگونه مثلی زده؟ کلمه پاک (عقاید سالم و توحیدی) مانند درخت پاک است؛ ریشه‌اش استوار و پا برجا و شاخه‌اش در آسمان است.

۲ - ابراهیم آیه ۲۵. میوه‌اش را با اجازه پروردگارش هر زمانی می‌دهد.

۳ - ابراهیم آیه ۲۶

۴ - همان. مثل کلمه ناپاک (عقاید باطل و بی پایه) مانند درخت ناپاک است که از زمین ریشه کن شده و هیچ ثبات و قراری ندارد.

ابدی محروم نسازد؟ آیا حکمی را خداوند متعال بدون حکمت تشریع فرموده است؟ یا با تشریع آن، در صدد رفع نیازی از نیازهای بشر بوده است؟ این که مثلاً ما بدلیل عدم دانش و اطلاعات کافی قطعه‌ای را از ماشینی حذف می‌کنیم و اتفاقاً میبینیم این ماشین مثل اول کار کرد دلیل بر بی حکمت بودن سازنده و بی جهت بودن آن قطعه است؟ یا پس از خراب شدن آن ماشین آیا عقلاً حق مذمت ما را ندارند که چطور شمایی که اطلاعی از این قطعه و ماشین نداشتی آن را برداشتی؟

جهان خلقت هم نه همین‌طور؛ بلکه در سطحی بالاتر، بسیار دقیق و لطیف و بجا خلق شده است و تمام احکام و شرایع، برای جریان صحیح و سالم زندگی بشری به انبیاء و سپس انسان‌ها القاء شده است.

ازدواج موقت؛ یکی از احکام دائمی و مسلم و مترقی اسلام است؛ طبق روایات وارده از پیامبر رحمت؛ حدی (قانونی) که در زمین جاری شود موثرتر از شصت سال عبادت است.^۱ در حدیث دیگری فرمودند: اجرای حدی از حدود الهی پربرکت‌تر از چهل روز بارش باران است.^۲

بنابراین جریان صحیح یک حکم شرعی در جامعه؛ البته با حدود و ثغور مشخص و تعیین شده از طرف شارع مقدس و در چهار چوب معین؛ می‌تواند بسیاری از گرفتاری‌ها و چالش‌ها و عوارض عمل نکردن این حکم که عمدتاً به خانواده‌ها می‌رسد را؛ در مسیر خود پوشش دهد، البته لازمه در جریان انداختن برخی از احکام الهی، ایستادن در مقابل وسواسان خناس، متعصبان

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱۸

۲ - الکافی، ج ۷



غیورپندار و از پل گذشتگان نایبنا و خود روشن فکر پنداران به اصطلاح امروزی است که در همان زمان پیامبر هم صراحتاً با نبی مکرم اسلام در افتادند و زیر بار برخی از احکام الهی نرفتند و امروز هم مخالفین؛ این جاهلیت را از پدران معنوی گذشته شان به ارث برده اند؛ چرا که به محض نفهمیدن حکمت حکمی از جانب حق تعالی؛ از بیخ و بن منکر آن شدند.

این‌ها را با فرض جهالتشان و یا احیاناً پیاده نظام دشمن بودن؛ اینچنین می‌شناسیم؛ و اگر نه؛ یعنی اگر دانسته از حکمتهای این حکم خداوند تعالی و اثرات بی بدیل آن در جامعه، چنین کمر بر نابودی این حکم بستند و آن را در بین مردم وارانۀ جلوه می‌دهند؛ مشمول عداوت با حق تعالی و کتمان نشانه‌ای از نشانه‌های حق و آیه شریفه ان الذین یکتُمون ما انزل الله... لا یُکَلِّمُهُمُ الله یومَ القیامه و لا یُزَکِّیهِمْ و لَهُمْ عَذَابٌ اَلیمٌ می‌باشند.

در این کتاب کوتاه؛ ضمن بیان و توضیح آیه شریفه نکاح متعه، در صدد بیان برخی روایات وارده از شیعه و اهل سنت در رابطه با اصل و موارد حکم ازدواج موقت هستیم و به کاربردها و ضرورت‌ها و چهار چوب‌ها و محدودیت‌های این حکم در جامعه می‌پردازیم.

امید است که طالبان حقیقت را روشن و دل‌های خفته اعم از مسئولین و مردم شریف را بیدار و اهریمن و طرفدارانش را زمین بزند.

و این اندک؛ هدیه ایست به سردار شهید قاسم سلیمانی و هم رزمان شهیدش در سوریه و عراق و ایران؛ همان‌هایی که رندانه از حلال الهی گذشتند تا به ما

۱ - بقره آیه ۱۷۴. قطعاً آن‌هایی که آن‌چه خداوند در کتابش نازل نموده است مخفی می‌دارند؛ ... خداوند در روز قیامت با آن‌ها صحبتی نمی‌کند و پاکشان نمی‌گرداند و برای آن‌ها عذاب دردناک است.

پیاموزانند به راحتی می شود از حرام آن چشم پوشید.

www.ketab.ir